

در زمانی که برای زن هیچ اعتبار و ارزشی قائل نبودند، حضور حضرت فاطمه (س) در دعوت به مباهله یعنی معرفی او به عنوان شریک رسالت یعنی اعتبار بخشیدن به زن در اسلام. البته در این ماجرا علی (ع) انفسا نامیده می شود و حسنین (علیهما السلام) با آن که در سنین کودکی بودند، از سوی پیامبر ابناء نا یعنی پسران ما خوانده شدند. اهمیت حضور آن دو کودک در مباهله یعنی این که آنان باید فعال باشند و آینده جامعه را در دست بگیرند



در گفت و گو با حجت الاسلام سید محمد مرتضی عاملی بررسی شد

# چند برداشت اجتماعی و اقتصادی از ماجرای مباهله

گفت و گو، روش آغازین دعوت پیامبر خاتم به دین نوپای الهی بوده است. دعوت نامه هایی که از سوی حکومت مدینه و با امضای شخص اول جهان اسلام به سران سرزمین های دیگر فرستاده شده، همگی گواه بر این موضوع است که رسول... (ص) در دعوت به دین خود هرگز آغازگر جنگ نبوده است و مبنای کار او دعوت، گفت و گو و پیمان صلح است. دعوت از مسیحیان منطقه نجران به اسلام نیز در همین خصوص بوده است. نجران، منطقه ای در عربستان که در مرز یمن قرار داشته و ساکنان آن عمدتاً مسیحی بوده اند، دعوت پیامبر را نپذیرفتند و از پرداخت جزیه نیز سرباز زدند. از این رو به مبارزه دعایی یا همان مباهله دعوت شدند. ماجرای که در صدر اسلام بازتاب بسیاری برای مسلمانان و پیروان سایر ادیان داشت. چرایی رویداد مباهله و اتفاقات پس از آن از شیوه برخورد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رسول خدا در دوران رسالت و حکومت دینی در مدینه پرده برداری می کند. حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مرتضی عاملی از اندیشمندان و محققان لبنانی در حوزه تاریخ اسلام، در گفت و گو با «جام جم» دریافت جدیدی از ماجرای تاریخی مباهله ارائه می کند. او مدیرعامل موسسه تنظیم و نشر آثار علامه سید جعفر مرتضی (ره)، پژوهشگر تاریخ، نویسنده و کارشناس دینی است که سال هاست در حوزه تاریخ و اعتقادات شیعی فعالیت علمی دارد.

نازلی مروت  
روزنامه نگار

و سپس با پیامبر (ص) ملاقات کرده و سوالات خود را می پرسند. پیامبر اکرم (ص) به آنان می فرماید که خدا یکی است و معبودی جز او نیست و سپس مسأله بشر بودن حضرت عیسی را مطرح می کند. حضرت از آنها می خواهد خدا را اطاعت کنند. آنها می گویند سه روز به ما فرصت بدهید. در این سه روز آنها تمام ابعاد مسأله را بررسی کردند و پی بردند محمد مصطفی (ص) واقعا پیامبر است. این مسأله در صحبت هایی که بین آنان رد و بدل شد کاملاً واضح است. پس از مهلت مقرر آنان گفتند ما اسلام را نمی پذیریم. در این صورت باید جزیه پرداخت می کردند. باین بیان به نوعی اعلام جنگ کردند. آنان یک لشکر ۱۰ هزار نفری و قدرت و توانایی خوبی برای جنگ داشتند. خداوند به حضرت محمد (ص) فرمان داد با آنان مباهله کند بنابراین رسول... (ص) خود سرانه عمل نکرد. اما وقتی آنها دیدند پیامبر با اهل بیت خود وارد کارزار مباهله شد، متوجه شدند که پشت سر محمد مصطفی (ص) خدایی هست لذا پذیرفتند جزیه بدهند زیرا می دانستند اگر مباهله را قبول کنند ممکن است در همان جلسه از بین بروند و اگر جنگ را آغاز کنند نابود می شوند.

نجران است. این منطقه جغرافیایی در مرز یمن شامل ۷۳ روستا بوده که ۱۰۰ هزار نظامی جنگجو داشته است. پیامبر در این شرایط که نجران منطقه مهم و در عین حال از نظر استراتژیک، امنیتی، نظامی و اجتماعی قدرتمند است، آنان را به اسلام دعوت می کند. این نشان دهنده این است که در آن دوره اسلام از قدرت خوبی در منطقه برخوردار بوده است. مشورت اهالی نجران به سفر بزرگان مسیحی به مدینه و دیدار بار رسول... منجر می شود. این دیدار با یک سری حواشی همراه است که اهمیت دارد. هیات ملاقات کننده ۶۰ نفر بودند. طبق نقل تاریخی حدود ۱۵ نفر از آنان از اعیان قوم خود بودند. آنها با لباس فاخر و طلا در مسجد حاضر می شوند اما پیامبر آنان را نمی پذیرد تا این که نزد عثمان و سپس امام علی (ع) می روند و حضرت به آنها می فرماید که بروید و لباس هایتان را عوض کنید و لباس های ساده بپوشید. ببینید این مسأله بیانگر این است که تیپ و ظاهر کسی که می خواهد صحبت بکند باید در جلسه گفت و گو لحاظ شود.

روز بعد می آیند و بیرون مسجد نماز خود را می خوانند

۱ ماجرای مباهله محصول چه اتفاقی است؟

برای روشن شدن موضوع، ذکر چند نکته لازم است. اول این که ماجرای مباهله در مدینه رخ داد، یعنی بعد از هجرت پیامبر به مدینه که همزمان با اوج گرفتن قدرت اسلام بود. نکته دیگر این که رسول... (ص) قبل از روی دادن ماجرای مباهله، به تمام سرزمین ها دعوت نامه ای ارسال کرده و آنها را به اسلام دعوت کرد. یکی از این نامه ها به نجران فرستاده شد. باید دید این منطقه جغرافیایی چه ویژگی هایی داشته که مورد توجه نبی مکرم اسلام واقع شد. پیامبر (ص) در نامه ای که به نجران می فرستد آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت می کند نه پرستش بندگان خدا. نکته دیگر در نامه این است که به آنان فرصت می دهد در صورتی که اسلام را نپذیرند جزیه پرداخت کنند و اگر نسبت به پرداخت جزیه نیز انکار دارند، جنگ رخ خواهد داد. وقتی نامه به دست بزرگان مسیحیان نجران رسید، باهم مشورت کردند که نمی توانیم درباره این نامه نظری بدهیم، بنابراین از همه اهالی نجران دعوت می کنند تا در منطقه وسیعی جمع شوند. آن منطقه معادل حرکت یک روز اسب تندرو بوده است که نشان دهنده وسعت زیاد منطقه تجمع اهالی

شعر امروز

مرتضی حیدری آل کثیر

## محمد آمد...

محمد آمد... که عشق اوج و ستم تنزل گرفته باشد  
بهل که قوم یهود و نجران، سر تسائل گرفته باشد

به نور شک کرده ای؟ شگفتا! دلیل، روشن تر از محمد؟  
«فقل تعالوا» اگر کسی حربه تجاهل گرفته باشد

خرافه «بولهب» کجا و حدیث «احمد»... بدا به قومی  
که بانگ این جغد شوم را جای صوت بلبل گرفته باشد

بزرگ «نجران» فتنه جو را بگو نیا شوب، خشم او را  
کسی که از مهریانی اش خار مکه هم گل گرفته باشد

نه دست اصحاب اطهرش را که دست زهرا و حیدرش را  
دل حسین و برادرش را بی «تباهل» گرفته باشد

قسم به قرآن و آل عمران، علی ست نفس نبی کماکان  
چه نفس پاکی! که دین به یمنش ره تکامل گرفته باشد

خوشایم جاری غدیرش، خوشادم سجده بر حصیرش  
خوشا محبی که دامنش را به یک توسل گرفته باشد

مطهره عباسیان

## احتجاج

قرار شد دو طرف تن به احتجاج دهند  
که دین مردم خود را مگر رواج دهند

قرار شد همگی با کسان خود باشند  
مگر علاج به یک زخم لاعلاج دهند

نبرد شک و یقین بود و باز، اهل یقین  
بنا نبود به اهل لجاج باج دهند

به حکم امر «تعالوا...» قرار بود آن روز  
مسیحیان همه پایان به یک لجاج دهند

و در قبال تمام مخالفت هاشان  
به رسم روز، به اهل یقین خراج دهند

شعاع نور حقیقت به هر طرف می رفت  
که از حجاز به نجرانیان سراج دهند

جهان به نور تو وابسته است، ای خورشید  
خوشا که با «تو» به اهل تو تخت و تاج دهند

